

**Modeling Regional Conflict Resolution Based on the Geopolitical
Peacemaking Approach (Case Study: Syrian Conflict)**

Jahangir Heidari¹

Abstract

Geopolitical situations have specific action-oriented approaches to dealing with divergences or divergent processes. These approaches can be categorized into two traditional and new approaches. Traditional approaches as land occupation, militarization, deterrence, instrumental use of tribes and religions, and new approaches as peacebuilding, ecological sustainability, critical and geopolitical resistance, are powerful at forefront of the process of resolving disputes and conflicts. There is universal peace and reconciliation. Indeed, peacemaking approaches focus on the common interests and needs that underlie cooperation and convergence. Six years after the long and complex Syrian conflict, traditional geopolitical approaches at three scales (national, regional and trans-regional) have been unable to resolve the conflict, and hostile and violent actions continue to fall. This article seeks to answer the question of how to resolve the Syrian conflict by using geopolitical approaches so that the interests and satisfaction of all actors are met. To answer this question, it seems that finding common interests among actors and actors by adopting non-traditional and non-traditional geopolitical approaches at the national (regional, trans-regional) scales can resolve the conflict. Syria will lead. The results show that three approaches of geographical peace, critical geopolitics and resistance geopolitics have great impact on the resolution of the Syrian conflict and the methods derived from these approaches have potential to resolve the Syrian conflict.

Key words: Geographical Peace, Critical Geopolitics, Geopolitics of Resistance, Political Ecology, Conflict

¹ PHD in International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran.

jahanheydari@yahoo.com

مدل سازی حل و فصل منازعات منطقه‌ای بر اساس رویکرد ژئوپلیتیک صلح آفرینی (مطالعه موردی: منازعه سوریه)

جهانگیر حیدری^۱

چکیده

موقعیت‌های ژئوپلیتیک، رویکردهای کنشی ویژه‌ای برای رویارویی با اختلافات و یا فرایندهای اختلاف آفرین داشته است. این رویکردها را می‌توان به دودسته‌ی رویکردهای سنتی و رویکردهای نوین دسته‌بندی کرد. در رویکردهای سنتی، تصرف سرزمین، نظامی‌گری، بازدارندگی، استفاده ابزاری از اقوام و مذاهب و در رویکردهای نوین صلح آفرینی، پایداری اکولوژی، رویکرد انتقادی و ژئوپلیتیک مقاومت در دستور کار قرار دارد که در فرایند حل و فصل اختلافات و منازعات از توان بالایی برای صلح آفرینی و آشتی همگانی برخوردارند. در واقع رویکردهای صلح آفرینی بر منافع و نیازهای مشترک که زمینه‌ساز همکاری و همگرایی است، تمرکز دارند. باگذشت شش سال از منازعه‌ی طولانی و پیچیده‌ی سوریه، رویکردهای سنتی ژئوپلیتیک در سه مقیاس (ملی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای)، از حل و فصل منازعه ناتوان بوده و کنش‌های خصومت‌آمیز و خشونت‌آمیز همچنان قربانی می‌گیرد. این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که چگونه می‌توان با به کارگیری رویکردهای ژئوپلیتیک، به حل و فصل منازعه‌ی سوریه دست یافت به صورتی که منافع و رضایت تمام بازیگران برآورده شود؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت به نظر می‌رسد یافتن منافع مشترک میان بازیگران و کنشگران با اتخاذ رویکردهای ژئوپلیتیک صلح آفرین و غیر سنتی در مقیاس‌های (ملی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای) می‌تواند به حل و فصل منازعه سوریه بیانجامد. نتایج پژوهش حاکی از آن است سه رویکرد صلح جغرافیایی، ژئوپلیتیک انتقادی و ژئوپلیتیک مقاومت در حل و فصل منازعه‌ی سوریه تأثیر بسزا و روش‌های برآمده از این رویکردها توان حل و فصل منازعه سوریه را دارد.

واژه‌گان کلیدی: صلح جغرافیایی، ژئوپلیتیک انتقادی، ژئوپلیتیک مقاومت، اکولوژی سیاسی، منازعه .

^۱ دانش آموخته دکتری روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

ژئوپلیتیک تجزیه و تحلیل تعامل بین مشخصات جغرافیایی از یک سو و دیدگاه‌ها و فرایندهای سیاسی از سوی دیگر است. مشخصات جغرافیایی و فرایندهای سیاسی نیز پویا بوده و هر یک از آن‌ها تحت تأثیر دیگری قرار می‌گیرد، بنابراین ژئوپلیتیک به نتایج و بازتاب‌های اندر کش این دو موضوع می‌پردازد (Cohen, 2010) و ضمن مطالعه ساختار موجود قدرت، به عنوان راهنمایی برای تصمیم‌گیران سیاست خارجی عمل می‌کند (پیشگاهی فرد و سلیمانی مقدم، ۱۳۸۸: ۹۶). ژئوپلیتیسین‌ها بنا بر مبانی و دستور کار علم ژئوپلیتیک، به منظور گسترش دامنه‌ی نفوذ و کسب پیروزی و بر خور داری از شرایط برتر، تمام ظرفیت‌های قدرت آفرین را به منظور رقابت با دیگر رقبای، با اتکالی به استراتژی بُرد - باخت به کار می‌گرفتند. این رویکرد مستلزم سرزمین‌گرایی، نظامی‌گری، بازدارندگی، قوم‌گرایی یا مذهب‌گرایی بود.

در طیفی دیگر، ژئوپلیتیسین‌ها، ظرفیت‌ها و توان جغرافیایی - انسانی موجود را به کار گرفته تا منازعات را حل و فصل و شرایط صلح را بر مناطق حاکم نمایند. در این رویکردها تمرکز اصلی بر روی همسودی و منافع، نیازها و تهدیدات مشترک است. تهدیدات برخاسته از تروریسم و افراط‌گرایی، هجوم پناهندگان، سرریز منازعات به کشورهای هم‌جوار، تهدیدات مشترک طبیعی و زیست‌محیطی و امنیتی و... بهترین زمینه را برای همکاری و همگرایی امنیتی فراهم می‌آورد. تمرکز بر چنین چالش‌هایی بر مبنای هم‌سودی، سترساز پیگیری روند مذاکره به منظور حل و فصل منازعات در مقیاس‌های متفاوت است. در صورتی که هر دو طرف یا طرفین منازعه به این باور رسیده باشند که از طریق مذاکره به منافع مشترک یا دست‌کم هم‌سودی در منافع می‌رسند، زمینه برای موفقیت و پیشرفت آن فراهم است. «شرط لازم و نه کافی، موفقیت در هر مذاکره وجود منافع مشترک برای متخاصمین در اجتناب از خشونت یا اگر خشونت هنوز ادامه دارد،

پایان دادن به آن است. بدون وجود چنین منافع مشترکی امکان هیچ نوع سازشی وجود ندارد» (هالستی، ۱۳۹۰: ۳۱۴).

رویکرد صلح آفرینی ژئوپلیتیک در ابتدا اقدام به شناخت همه‌جانبه بازیگران در سه مقیاس (ملی، منطقه‌ای، فرا منطقه‌ای)، نموده و با شناسایی اهداف و منافع هر بازیگر و نیز با درک منافع، نیازها و تهدیدات مشترک این بازیگران و ارتباط میان آن‌ها راهکار صلح آفرین مناسب برای تأمین امنیت ژئوپلیتیک در دستور کار قرار می‌گیرد. در جریان منازعه-ی سوریه در مقیاس ملی بیش از ۱۰۰۰ گروه مسلح، گروه‌های مدنی و سیاسی و ... کنشگران اصلی منازعه هستند. در حلقه‌ای دیگر طیفی از کنشگران غیردولتی و بازیگران دولتی مخالف و موافق با حکومت سوریه به جریان منازعه ورود نموده‌اند. قدرت‌های فرا منطقه‌ای نیز هر کدام بر اساس منافع خود به صورت یک‌جانبه سعی بر پایان دادن منازعه‌ی سوریه دارند. سازمان‌های منطقه‌ای (همچون اتحادیه‌ی عرب) و فرا منطقه‌ای (همچون شورای امنیت سازمان ملل متحد) نیز در این میان راه کارهای موردنظر خود را برای حل و فصل این منازعه در پیش گرفته‌اند. این پژوهش با توجه به ناکارآمدی مکانیسم‌های حل و فصل منازعه سوریه تاکنون، مدل حل و فصل منازعات منطقه‌ای بر اساس رویکردهای صلح آفرین ژئوپلیتیک را ارائه می‌کند.

بیان مسئله

منازعه‌ی رایج در سوریه که شش سال از وقوع آن می‌گذرد از نظر ماهیت خشونت-آمیز، از نظر تداوم، منازعه‌ای طولانی و زمان‌بر، از نظر سطوح مداخلات جهانی و پیچیدگی آن به گونه‌ای است که نه تنها هیچ‌گونه ضرورت و سازندگی از قبل این منازعه نمی‌توان متصور بود، بلکه تلفاتی نسبتاً غیرقابل جبران بر سوریه و کشورهای منطقه وارد نمود. حدود ۵ میلیون نفر سوری به عنوان پناهنده به کشورهای هم‌جوار یا کشورهای اروپایی گریخته‌اند، دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (UNOCHA) اعلام می‌دارد که

بیش از ۹۰ درصد از پناهندگان سوری در خارج از اردوگاه‌ها و در مناطق شهری زندگی می‌کنند، چنین وضعیتی شناسایی و تخمین میزان دقیق پناهندگان را با چالش مواجه می‌نماید (Coordinator & others, 2016: 14). جدول و نمودار وضعیت کودکان سوریه در امر آموزش و پرورش و تلفات انسانی ناشی از منازعه سوریه به قرار زیر است:



منبع نمودار: (TRT World Research Centre, 2017: 86).

در این منازعه ۵ قدرت عضو شورای امنیت در دودسته‌ی (روسیه و چین) حامی حکومت سوریه و (آمریکا، انگلیس و فرانسه) حامی مخالفین، کشورهای منطقه‌ای (ایران، عراق، در سال‌های اخیر مصر و تا حدودی لبنان) حامی حکومت سوریه و کشورهای (عربستان، ترکیه، قطر و دیگر کشورهای عربی) حامی مخالفین، در سطح ملی گروه‌های حامی بشار اسد و حکومت سوریه و گروه‌های مخالف که شمار آن‌ها از هزار گروه مسلح نیز می‌گذرد، هر کدام با رویکرد کسب منافع حداکثری با تقابل و رویارویی با یکدیگر پرداخته‌اند. سیاست‌های ابزاری نمودن اسلام و مذاهب و اقوام، رویکردها و برخوردهای تبعیض آمیز و متعارض، اتکای مکانیسم‌های به کاررفته بر استراتژی مستقیم و نظامی، صرف هزینه‌ها و منابع مالی و ثروت به منظور رقابت سیاسی و ژئوپلیتیک در عرصه‌ی میدانی سوریه، حمایت‌های نظامی از طرفین درگیر (جنگ نیابتی) در مقیاس ملی، قلمروهای ایدئولوژیک و اتخاذ رویکردهای یک‌جانبه و مبتنی بر استراتژی بُرد - باخت در ارتباط با منازعه‌ی سوریه از طرف بازیگران و کنشگران مقیاس‌های سه‌گانه، هرگونه مکانیسم حل و فصلی را با ناکامی مواجه ساخته است. آتش‌بس‌های مقطعی و محدود در شهرها و

مناطق خاصی، صدور قطعنامه‌های مکرر و بدون پشتوانه‌ی سازمان ملل متحد، اتحادیه عرب و... نشست‌های ژنو، وین، آستانه و... گروه دوستان سوریه، کشورهای حامی سوریه و... نیز ناکام بوده است؛ بنابراین مهم‌ترین وجوه مسئله و معضل موردپژوهش (منازعه سوریه)، گستره‌ی جهانی مداخلات در منازعه، پیچیدگی و تعارض و تضاد منافع بازیگران و کنشگران، رادیکالیزه شدن گروه‌ها در مقیاس ملی و کنترل ناپذیری و خصلت غیرقابل حل و فصل‌پذیری این منازعه است.

روش تحقیق پژوهش

برای جمع‌آوری داده‌ها، از مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش بهره گرفته شده است. متغیر مستقل، رویکردهای ژئوپلیتیک صلح آفرین و متغیر وابسته، حل‌وفصل منازعه سوریه است. روش گردآوری اطلاعات علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای بر ابزار پرسشنامه نیز متکی بوده است. جامعه آماری انتخاب شده برای پاسخگویی به این پرسشنامه شامل ۴ گروه (جغرافیدانان سیاسی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جامعه‌شناسی سیاسی) در سطح دکتری و همچنین کسانی که در عرصه‌ی میدانی سوریه حضور داشته‌اند، است. با توجه به نامحدود بودن جامعه آماری و عدم وجود اطلاعات رسمی از تعداد اساتید و متخصصین و افرادی که در سوریه حضور داشته‌اند، در مجموع حدود ۱۰۰ نفر به روش تصادفی ساده انتخاب شد و پرسشنامه در بین آن‌ها توزیع و تکمیل گردید که در نهایت، ۷۳ پرسشنامه به صورت کامل پاسخ داده شد. در این پژوهش جهت تعیین روایی از روش روایی منطقی - محتوایی استفاده شده است که در این حالت کمیت و کیفیت سوالات زیر نظر متخصصین موردبررسی و روایی پرسشنامه تأیید شده است. برای تعیین پایایی آزمون از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شده است.

جدول ۱- تعیین پایایی پرسشنامه پژوهش با بهره‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ

نوع رویکرد	نوع رویکرد	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
رویکردهای صلح آفرین	صلح جغرافیایی	۱۶	۰/۷۹۸
	اکولوژی سیاسی	۱۱	۰/۹۱۳
	انتقادی	۱۵	۰/۷۳۱
	مقاومتی	۱۵	۰/۸۶۸

بر اساس سولات پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ در ۴ رویکرد صلح جغرافیایی به صورت جداگانه گرفته شد. نتایج جدول ۱، نشان داد که رویکرد صلح جغرافیایی با ضریب ۰/۷۹۸، رویکرد اکولوژی سیاسی با ضریب ۰/۹۱۳، رویکرد انتقادی با ضریب ۰/۷۳۱ و رویکرد مقاومتی با ضریب ۰/۸۶۸ در ژئوپلیتیک صلح همگی دارای پایایی هستند چون تمامی ضرایب بالاتر از ۰/۷ بوده و به یک نزدیک می‌باشند. همچنین در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های آماری برای ارزیابی فرضیه از آزمون (تی تک دامنه یا تی تک جامعه) one – sample T- Test استفاده شده است.

تعریف مفاهیم و مبانی نظری

منازعه^۱، به وضعیت و شرایطی اشاره دارد که در آن یک گروه و مجموعه انسانی مشخص و معین، اعم از مذهبی، فرهنگی، زبانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قبیله‌ای یا قومی به دلایل تعارض و ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهداف و ارزش‌ها با یک گروه یا گروه‌های انسانی دیگر تعارض و تضاد آگاهانه دارند (Dougherty & Pfaltzgraff, 1981:297). از منظر جامعه‌شناختی لوئیس کوزر^۲ منازعه عبارت است از: «مبارزه و کشمکش بر سر ارزش‌ها و مطالبه منزلت، قدرت و منابع کمیاب که در آن هدف هر یک

1. Conflict

2. Lewis A. Coser

از طرفین، خنثی کردن، صدمه زدن و یا نابود ساختن رقبای خویش است» (Coser, 1956:3).

رویکردها در ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک دانش شناخت، بررسی و تحلیل اندرکنش‌های فضاها و قلمروهای رقابت قدرت است و رشته‌ای دانشگاهی است که میان دانش‌های تجربی و دانش‌های انسانی پُل زده است. از یک‌سو گرایش و تبیین و تفسیرکننده و از سوی دیگر از پشتوانه‌ای تئوریک غنی برخوردار است و درعین حال به دستاوردهای گران‌مایه جغرافیای سیاسی، ژئواستراتژی و جغرافیای نظامی متکی است و باوجود نگرش سیستمی که ذاتی بررسی و تحلیل ژئوپلیتیک است، ناگزیر می‌بایست انتها و پایان هر تحلیل قلمروی - موضوعی را حدس بزند (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۲). رویکرد ژئوپلیتیک چیزی شبیه به پارادایم علم مطرح شده کوهن است و در هر دوره زمانی به تناسب مشکلات و تنگناهای بشری در حوزه ژئوپلیتیک طرح و استفاده می‌شود. رویکردهای مطروحه در ژئوپلیتیک همواره درگیر سه دانش واژه قدرت، سیاست و جغرافیا بوده‌اند. در رویکرد ژئوپلیتیک «میل به بقا» و «میل به بهزیستی» در کانون توجه قرار دارد. دستیابی به «بقا و بهزیستی و پوشش منافع ملی» از رهگذر «شناخت وضع موجود به‌ویژه در بخش بنیادهای قدرت و مناسبات قدرت»، «ارزیابی منافع و مصالح در وضعیت کنونی و آینده» و «داشتن راهبرد برای پاسداشت وضع موجود یا دگرگون‌سازی آن» است (حافظنیا و کاویانی راد، ۱۳۹۳: ۱۹۰).

انواع رویکردهای ژئوپلیتیک

رویکردهای ژئوپلیتیک در طی زمان و تحت تأثیر عواملی همچون پویایی کلیدواژه‌های این دانش، دگرگونی فضای رقابت، تغییر ماهیت عوامل و ابزارهای قدرت آفرین، تغییر و

تحول ماهیت تهدیدات، برداشت نخبگان، خرد رهبری، ظهور بازیگران رسمی و غیررسمی جدید و... دگرگون شده‌اند. در جدول زیر انواع رویکردهای ژئوپلیتیک آمده است:

رویکردهای ژئوپلیتیک	سننی / نوین	عنصر قدرت آفرین	رفتار ژئوپلیتیک
رویکرد فضایی - سرزمینی	سننی	قلمروهای جغرافیایی	تصرف سرزمین و گسترش قلمرو جغرافیایی
رویکرد نظامی - گری	سننی	فن آوری و توان نظامی	رقابت تسلیحاتی، جنگ نیابتی، جنگ مستقیم
رویکرد بازاریابی	سننی	حضور و نفوذ جغرافیایی	نفوذ جغرافیایی، ائتلاف، گسست ائتلاف رقیب
رویکرد انتقادی	نوین	پایگاه‌های مهم علمی و نخبگان، شبکه قدرتمند رسانه‌ای	به چالش کشیدن گفتمان‌های ژئوپلیتیک، آشکارسازی تصویرها و کشورهای ژئوپلیتیک
رویکرد اکولوژی سیاسی	نوین	امنیت زیست‌محیطی، حفظ منابع	همگرایی فراگیر واحدهای سیاسی در مقابله با معضلات زیست‌محیطی و چالش‌های آن
رویکرد صلح جغرافیایی	نوین	منافع مشترک امنیتی و طبیعی	اصول فلسفی - استراتژیک
رویکرد مقاومت	نوین	نیروهای سیاسی، قومی و معنوی	تنش‌زایی در ارتباط با گروه‌های مذکور

منبع: (نگارندگان، ۱۳۹۶)

رویکرد ژئوپلیتیک انتقادی و مقاومت

ژئوپلیتیک انتقادی (ضد ژئوپلیتیک) با رویکردی پوزیتیویستی به‌طور ویژه به پیوند ژئوپلیتیک با «جغرافیای رفتاری» صحنه می‌گذارد. ژئوپلیتیک انتقادی این وظیفه را بر عهده گرفت که از یک سو از تفاوت میان ارزش‌ها و اهداف رسمی جامعه و از سوی دیگر از واقعیت شیوه‌هایی که نهادها عملاً رفتار می‌کنند پرده بردارد، در نتیجه جامعه ناچار است تا با آگاهی نقادانه‌ای از کاستی‌ها نیروی مهمی برای تغییر و تحول باشد. نقش آفرینی ضد ژئوپلیتیک از درون جوامع، سلطه سیاسی، فرهنگی، نظامی بیگانه یا طبقه مسلط را به چالش می‌کشد. ضد ژئوپلیتیک یا ژئوپلیتیک مقاومت نامید. ژئوپلیتیک سننی، بر پایه قدرت و مزیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت‌ها و یا طبقه حاکم و مسلط بنا شده ولی در ضد ژئوپلیتیک، زبان حال طبقات تحت سلطه و مملو از مبارزان ضد سلطه‌گری و مقاومت در برابر نیروهای جبار مطرح است. «ژئوپلیتیک مقاومت» یا به تعبیر روتلج، ضد ژئوپلیتیک و «ژئوپلیتیک از پایین»، یعنی نیروهای فرهنگی، سیاسی و معنوی درون یک جامعه که منافع قدرت سلطه را به چالش می‌کشد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۷۳). دانشمندانی چون «اگنیوا» و

«کوربریج»^۱ نیز در سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۸۹ نخستین آثار را در چارچوب رئوس کلی ژئوپلیتیک انتقادی منتشر نمودند؛ اما رویکرد «ایولاکست»^۲، ژئوپلیتیسین فرانسوی فراتر از تحلیل‌های ناشیانه مارکسیستی زمان خود بود و بدین‌سان، ژئوپلیتیک انتقادی راه خود را از ژئوپلیتیک سنتی جدا کرده و از چندین جنبه دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی ارائه می‌نماید. آنها به‌جای تمرکز بر شناسایی عوامل جغرافیایی مؤثر بر شکل‌گیری قدرت دولت‌ها و سیاست خارجی ایشان، از یک‌سو دریابند که سیاستمداران چگونه «تصاویر ذهنی» خود را از جهان ترسیم نموده‌اند و این بینش‌ها چگونه بر تفاسیر آن‌ها از مکان‌های مختلف تأثیر می‌گذارد؟ و از دیگر سو، عوامل ناپیدا و نهان تولید قدرت (ژئوپلیتیک از پایین) را در برابر اراده هژمونیک قدرت‌ها و نقش آن در به هم زدن موازنه قدرت را کشف و تبیین نمایند (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۸: ۴).

رویکرد صلح جغرافیایی

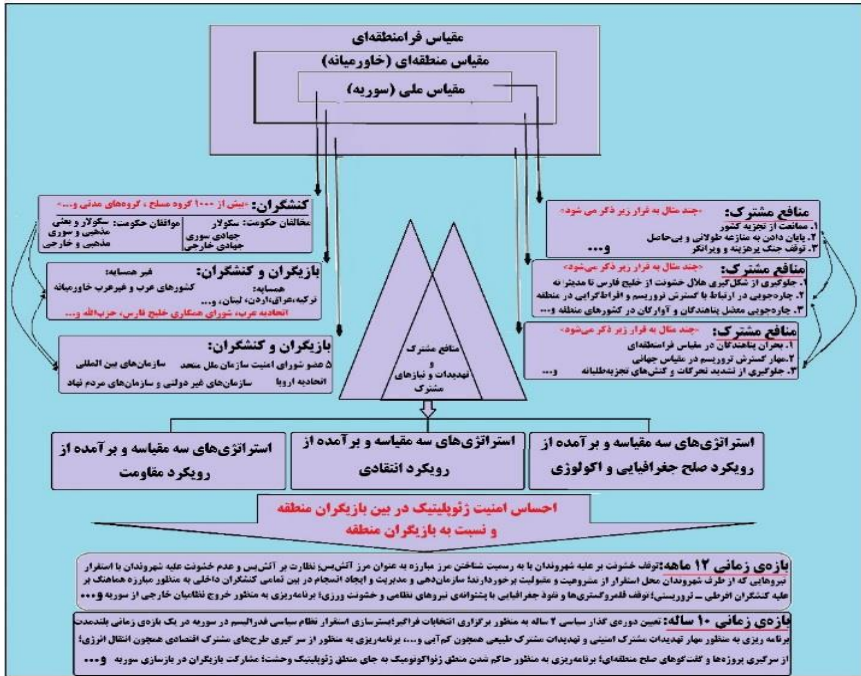
رویکرد صلح جغرافیایی از رویکردهای نوظهور ژئوپلیتیک است که با عنوان پاسیفیک ژئوپلیتیک و ژئوپاسیفیک نام‌برده می‌شود. این رویکرد بر پایه‌ی چند ستون چون زمین؛ تنها گوی زنده‌ی دنیا، دنیای مشترک، طبیعت بی‌مرز، فروپاشی مفهوم مرز، برنامه‌ی نجات زمین، کنترل تسلیحات هسته‌ای، کنترل جنگ و تروریسم است. از دیدگاه صلح جغرافیایی، عقل سلیم و نیز واقعیت‌های عینی موجود، همسایگی عاملی مؤثر در صلح‌آفرینی است و بر چند اصل فلسفی - استراتژیک از قبیل؛ جبر همسایگی، پایداری فرهنگ مذهبی، پایداری فرهنگ زبان، استراتژی بُرد-بُرد، مرزهای بازرگانی، هسته‌ی اتحادهای منطقه‌ای، محورهای تهدید، تنگناهای مشترک جغرافیایی، تهدیدهای و منافع مشترک، امنیت منطقه‌ای، تداخل منابع انسانی و نزدیک‌ترین پایگاه‌های اورژانس استوار است (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۳۴). در

1. Corbridge
2. Yves Lacoste

چارچوب اکولوژی سیاسی که پیوستگاه علم سیاست و محیط‌زیست است، محیط سالم و امن زمانی نمود عینی می‌یابد که پیوستگی ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حیات انسان‌ها جدای از وابستگی‌های زیستی و اعتقادی‌شان در اجتماع در هماهنگی با بن‌مایه‌های زیست‌کره، یکپارچه و متعامل در نظر گرفته می‌شود که از رهگذر همگرایی فراگیر واحدهای سیاسی ممکن است (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۴۵).

منازعات منطقه‌ای و رویکردهای ژئوپلیتیک صلح آفرین

عزم نهادهای و استراتژیک برای حل و فصل منازعات منطقه‌ای به صورت عام و منازعه‌ی سوریه به صورت خاص، طی پروسه‌ای مبتنی بر مذاکره و گفتگو از طریق راه‌ها و تجربه‌های شناخته شده‌ی جهانی حل منازعه و در مقیاس‌های سه‌گانه (ملی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای) میسر می‌گردد. در این فرایند، کنشگران و بازیگران سطوح مختلف و همچنین ماهیت گروه‌ها و ذینفعان، منافع مشترک، تهدیدات مشترک و نیازهای مشترک بین این بازیگران و کنشگران احصاء و شناسایی و استراتژی‌های لازم در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه می‌گردد.



امنیت ژئوپلیتیک عبارت است از رواج شرایطی که در آن بازیگران احساس نمایند رقبا اهرم‌ها و ابزارهای قومیت، مذهب، نظامی‌گری و توان برتر نظامی و... علیه همدیگر به کار نمی‌گیرند و بنابراین در پیاده‌سازی استراتژی‌های ژئوپلیتیک و میل مناسبات قدرت به سمت وسوی تعامل و همکاری و تنش‌زدایی نقشی اساسی دارد. در صورت رواج امنیت ژئوپلیتیک، اختلافات ارضی و مرزی به بازه‌های زمانی طولانی مدت واگذار و فضای سیاسی به حدی محدود و با تنگنا مواجهه نمی‌شود که بازیگران و رقبا اقدام به تهدید به جنگ، سازمان‌دهی جنگ نیابتی و یا رقابت تسلیحاتی نمایند، بلکه همواره شرایط برای گفتگو و مذاکره بر اساس منافع و تهدیدات مشترک مهیاست.

یافته‌های پژوهش

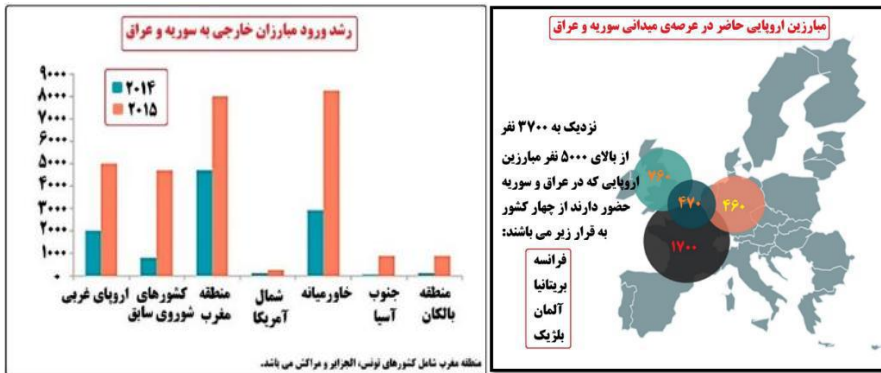
الف: یافته‌های کتابخانه‌ای

سه دسته مؤلفه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در بحران سوریه دخالت دارند که به شدت به هم پیچیده و هر کدام از دید ژئوپلیتیک دلایل و منافع مشترک خاص خود را پیگیری می‌کنند که عبارتند از:

۱. خطر گسترش تروریسم و بی‌ثباتی در جهان

در صورت پیروزی مخالفان بومی در سوریه، این امکان وجود دارد که سوریه تبدیل به عراقی دیگر شود و به بحران‌های موجود در این کشور اضافه کند. پیروزی سلفی‌ها سبب سرایت این وضعیت به عراق و سایر کشورهای منطقه و باعث هرج و مرج در کل منطقه و در نهایت افزایش قدرت آن‌ها می‌شود (Eran, 2012: 29)، میل به گرایش به دیگر مناطق جغرافیایی از جمله جنوب شرق آسیا، شمال آفریقا، آسیای مرکزی و حتی اروپا دارد.

نمودار زیر رشد ورود مبارزان تروریستی خارجی به سوریه و عراق در سال ۲۰۱۵ را نشان می‌دهد.



منبع: (The Soufan Group, December 2015: 26)

پراکندگی جغرافیایی گروه‌های تروریستی هم پیوند با داعش، یکی از نشانه‌گانی است که خطر گسترش تروریسم را به همگان گوشزد می‌نماید. دست کم ۲۵ گروه در کشورهای فیلیپین، اندونزی، تونس، پاکستان، هند، افغانستان، نیجریه و... با داعش بیعت کرده و ۱۰ گروه نیز از آن اعلام حمایت نموده‌اند (Tomasz Grzyb & others, 2015: 20). به عبارتی منازعه سوریه علاوه بر تأثیر در فراخوان جنگجویان تروریست خارجی موجب الهام گرفتن گروه‌ها و سازمان‌های مختلفی در دیگر مناطق جغرافیایی شده است. در عرصه میدانی سوریه گروه‌ها و سازمان‌هایی با ماهیت تروریستی و با توان تهدید جهانی چون داعش است. شورای امنیت با صدور قطعنامه‌ی ۲۲۴۹ (۲۰۱۵) پس از تأکید بر حاکمیت و تمامیت سرزمینی دولت‌های عراق و سوریه، داعش را تهدیدی جهانی و بی‌سابقه علیه صلح و امنیت جهانی قلمداد نمود (لطفی و شارق، ۱۳۹۵: ۱۸۰). در جداول زیر پراکندگی جغرافیایی گروه‌ها و سازمان‌هایی که با داعش بیعت نموده و اعلام حمایت نموده‌اند آمده است:

ردیف	اسم سازمان	کشور	تاریخ بیعت	ردیف	اسم سازمان	کشور	تاریخ بیعت
۱.	انصار العلیقه	فیلیپین	۲۰۱۴/۰۸/۱۴	۱۴.	مجاهدین اندوزیایی تیمور	اندونزی	۲۰۱۴/۰۷/۱
۲.	انصار التوحید در هند	هند	۲۰۱۴/۱۰/۴	۱۵.	تحریک خلافت	پاکستان	۲۰۱۴/۰۷/۹
۳.	گودان الهدی در غرب جهان اسلام	الجزایر	۲۰۱۴/۰۶/۳۰	۱۶.	مجاهدین یمن	یمن	۲۰۱۴/۱۱/۱۰
۴.	تیپ دالوران اسلام در خراسان	افغانستان	۲۰۱۴/۰۹/۳۰	۱۷.	حامیان دولت اسلامی در یمن	یمن	۲۰۱۴/۰۹/۴
۵.	سربازان خلیفه در الجزایر	الجزایر	۲۰۱۴/۰۹/۳۰	۱۸.	تیپ توحید در خراسان	افغانستان	۲۰۱۴/۰۹/۲۳
۶.	جیش الصحابان در شام	سوریه	۲۰۱۴/۰۷/۱	۱۹.	انصار الاسلام	عراق	۲۰۱۵/۰۱/۸
۷.	حزب کتائب الامام بخاری	سوریه	۲۰۱۴/۱۰/۲۹	۲۰.	رهبران مجاهد در خراسان	پاکستان	۲۰۱۵/۰۱/۱۰
۸.	جماعت انصار بیت المقدس	مصر	۲۰۱۴/۰۶/۳۰	۲۱.	بوکو حرام	نیجریه	۲۰۱۵/۰۳/۷
۹.	جند العلیقه در مصر	مصر	۲۰۱۴/۰۹/۲۳	۲۲.	جند العلیقه در تونس	تونس	۲۰۱۵/۰۳/۲۲
۱۰.	لواء السنه در یعلبک	لبنان	۲۰۱۴/۰۶/۳۰	۲۳.	جماعه اسلامیة	فیلیپین	۲۰۱۵/۰۴/۲۷
۱۱.	دولت اسلامی در لیبی	لیبی	۲۰۱۴/۱۱/۹	۲۴.	المورابیتون	مالی	۲۰۱۵/۰۵/۱۴
۱۲.	شیرهای لیبی	لیبی	۲۰۱۴/۰۹/۲۴	۲۵.	مجاهدین قرآن در تونس	تونس	۲۰۱۵/۰۵/۱۸
۱۳.	شورای جوانان اسلامی درنه	لیبی	۲۰۱۴/۱۰/۶				

منبع: (Tomasz Grzyb & others, 2015: 20)

ردیف	عنوان سازمان	کشور	تاریخ اعلام حمایت
۱.	الاعتصام به قرآن در سودان	سودان	۲۰۱۴/۰۸/۱
۲.	گروه ابوسیف	فیلیپین	۲۰۱۴/۰۶/۲۵
۳.	مبارزان آزادی اسلام در بنگسامور	فیلیپین	۲۰۱۴/۰۸/۱۳
۴.	جنبش عدالت بنگسامور	فیلیپین	۲۰۱۴/۰۹/۱۱
۵.	جندالله	پاکستان	۲۰۱۴/۱۱/۱۷
۶.	جنبش اسلامی ازبکستان	پاکستان	۲۰۱۴/۰۹/۱۲
۷.	شورای جوانان اسلامی	لیبی	۲۰۱۴/۰۶/۲۲
۸.	شورای مجاهدین در حومه اورشلیم	مصر	۲۰۱۴/۱۰/۱
۹.	گردان اکبا ابن نائف	تونس	۲۰۱۴/۰۹/۲۰
۱۰.	حامیان دولت اسلامی در سرزمین دو مکان مقدس	عربستان سعودی	۲۰۱۴/۱۲/۱

۲. بحران پناهندگی و آوارگان و افکار عمومی جهان

افرادی که در نزدیکی میدان جنگ به سر می‌برند به دلایل بسیاری از محل زندگی خود فرار می‌کنند: ترس از نسل‌کشی، کشتار سیاسی یا پاک‌سازی قومی، ترس از اشغال نظامی، خطرات ناشی از جنگ، یا تصاحب اموال و مواد غذایی توسط نیروهای نظامی و ... (Weiner, 1996: 7-8) از مهم‌ترین این دلایل است. پناهندگان امنیت اجتماعی یک کشور را تهدید می‌کنند و الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، کار جمعی، هویت، عادات مذهبی و ملی را به چالش می‌کشد (Terriff and others, 1999: 314-316). در اروپا جریان آوارگان علاوه بر تحمیل هزینه‌های اقتصادی، نگرانی‌هایی در ارتباط بانفوذ تروریست‌ها و سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی همراه با جریان آوارگان را نیز به وجود آورده است (Dostal, 2016: 24). کشورهای هم‌جوار سوریه، بیشتر از هر کشوری تحت تأثیر تبعات منفی و مخرب بحران پناهندگی ناشی از منازعه سوریه قرار گرفته‌اند. ترکیه ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار، لبنان ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر، اردن ۶۵۰ هزار نفر، عراق ۲۵۰ هزار نفر پناهنده سوری را میزبانی می‌کنند (TRT World Research Centre, 2017: 104).

علاوه بر فشاری که بر زیرساخت‌های اقتصادی و رفاهی کشورهای میزبان از لحاظ امنیتی و فرهنگی نیز بازتاب‌های منفی رخ می‌دهد.

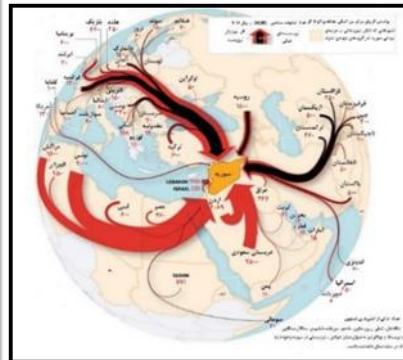
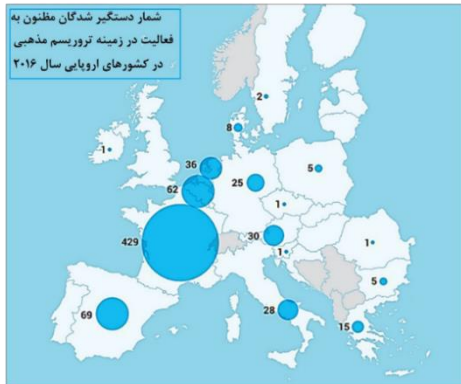
ورود آوارگان ناشی از جنگ‌های داخلی به خاک کشور یا کشورهای همسایه، گسترش دامنه نبرد به حاشیه و درون فضای سرزمین کشورهای همسایه و مداخله نظامی برای حمایت از اتباع و هم‌کیشان همواره از منابع تنش و تهدید بین کشورهای همسایه می‌باشند (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۹). این در حالی است که سوریه امروز، دچار یکی از بحران‌های انسانی بسیار پیچیده جهان است. ۴٫۸ میلیون نفر از مردن این کشور، وادار به ترک کشور خود شده و ۶٫۵ میلیون نفر نیز در داخل کشور آواره شده‌اند که این موضوع سوریه را به بزرگ‌ترین کشور آوارگان در سراسر جهان بدل می‌کند. در سال ۲۰۱۶، تخمین زده می‌شود که ۱۳٫۵ میلیون نفر از مردم، شامل ۶ میلیون کودک، نیازمند کمک‌های بشردوستانه هستند. از این تعداد ۵٫۴۷ میلیون نفر در مناطق تحت دسترسی سخت قرار دارند که می‌توان به محاصره‌ی ۶۰۰ هزار نفر در ۱۸ منطقه‌ی تحت محاصره اشاره کرد (UNOCHA, 2016). طبق گزارش مؤسسه ARK Group DMCC امروزه نیمی از جمعیت سوریه آواره شده‌اند، به صورتی که جنگ و منازعه‌ی سوریه به بزرگ‌ترین منبع جابجایی در جهان مبدل شده است. هجوم پناهندگان از نظر امنیتی تبعات منفی و سوء‌ی بر کشورهای اروپایی و منطقه‌ای گذاشت (ARK Group DMCC, February 2016: 15). به گزارش یکی از نهادهای انسان دوستانه به نام مرسی کورپس^۱، بسیاری از آوارگان سوری در اردن و لبنان زندگی می‌کنند که کشورهایی کوچک، با زیرساخت‌های ضعیف و منابع محدود به حساب می‌آیند. پنج میلیون سوری یا در لیست آوارگان کمیسیون عالی آوارگان سازمان ملل ثبت‌نام کرده‌اند یا در انتظار ثبت‌نام هستند. هر ساله به تعداد آوارگان افزوده شده است. در سال ۲۰۱۲ میلادی، ۱۰۰ هزار آواره وجود داشت، در آوریل ۲۰۱۳ به ۸۰۰ هزار نفر رسید و پس از ۴ ماه به ۱٫۶ میلیون نفر یعنی دو برابر رسید.

1. Mercy corps

اکنون در سال ۲۰۱۶، بیش از ۴٫۸ میلیون سوری آوارهی خارجی اند (mercy corps, 16 June 2016)؛ بنابراین بحث بحران پناهندگی از مهمترین مباحث می باشد.

۳. بازگشت مبارزان تروریستی و افراطی به کشورهای مبدأ

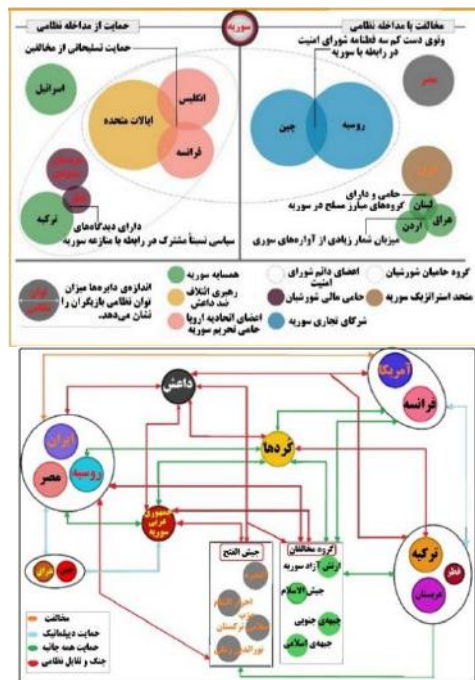
گروهی همچون کتائب المجاهدین تعداد زیادی از مجاهدین افراطی را از قفقاز شمالی (هم‌جوار با روسیه) و کشور لیبی به سمت خود جذب کرده است. بازگشت مبارزان تروریستی و افراطی خارجی و حاضر در عرصه‌ی میدانی سوریه و عراق، امری اجتناب‌ناپذیر است. بخصوص در این برهه‌ی زمانی که داعش در حال منزوی شدن و شکست است. نقشه‌ی زیر پراکندگی و شمار بازداشت‌شدگان مظنون به فعالیت تروریسم مذهبی در اروپا در سال ۲۰۱۶ را نشان می‌دهد. نمودار زیر مقصد مبارزان تروریستی افراطی حاضر در عرصه‌ی میدانی سوریه را نشان می‌دهد که گستره‌ای جهانی دارد.



منبع: (European Union Terrorism Situation and Trend Report, 2017)

۴. تهدید گسترش جنگ در مناطق پیرامون و جلوگیری از هلال خشونت از خلیج فارس تا مدیترانه

بین سال‌های ۱۹۴۶ و ۱۹۷۰ کشور سوریه میدان کارزار ایدئولوژی‌های رقیب منطقه مانند کمونیسم، ناسیونالیسم، پان‌عربیسم و بعثیسم بود که برای به دست آوردن قدرت می‌جنگیدند. از سال ۱۹۷۰ نیز این کشور به‌نوبه خود نقشی تعیین‌کننده در سیاست لبنان بازی کرده است. مصر، ترکیه، ایران و عراق در زمان‌های مختلف کوشیده‌اند بر روند وقایع در سوریه تأثیر بگذارند. عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز اکنون بلند پروازی‌هایی در این کشور دارند. از همین رو ظرفیت و قابلیت بروز جنگ منطقه‌ای آشکار، بسیار واقعی به نظر می‌رسد (غنی و لاکهارت، ۲۰۱۵: ۷). ائتلاف‌های پیچیده و تقابلان خصمانه گواه این مدعاست. نمودارهای زیر پیچیدگی و ائتلاف‌های درگیر در منازعه سوریه است:



در امتداد یک جبهه که از یمن، عربستان، بحرین و بصره به عنوان دهانه خلیج فارس تا بیروت در دریای مدیترانه امتداد می‌یابد، امروزه هم در یمن، شرق عربستان، بحرین، عراق، سوریه و لبنان ناآرامی‌های داخلی وجود دارد.

هر کشوری می‌تواند اثر فوری ناامنی‌های همسایگان را در فضای سرزمینی خود انتظار داشته باشد. ناامنی بسیاری از رژیم‌ها در خاورمیانه به سیاست امنیتی منطقه‌ای سراریز می‌شود (نیاکویی و ستوده، ۱۳۹۴: ۱۶۰). جنگ داخلی و فروپاشی یک کشور دارای پیامدهای بسیاری است که ثبات دولت‌های خارج از کانون مناقشه و درگیری را نیز تهدید می‌کند (قربانی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۰۳). سرایت منازعه سوریه به کشورهای هم‌جوار از جمله در لبنان در ماه می ۲۰۱۳ که شهر داهیه مورد اصابت دو راکت قرار گرفت. در ۱۵ آگوست ۲۰۱۳ بمب‌گذاری جنوب بیروت ۱۸ نفر کشته و ۳۰۰ زخمی برجای گذاشت. در نوامبر و دسامبر نیز محله چاته و نزدیکی سفارت ایران حملات تروریستی صورت گرفت. در اوایل سال ۲۰۱۴، انفجار خودروهای بمب‌گذاری شده علیه حزب الله و اهداف ایران تشدید شد و دو ماه اول سال ۲۰۱۴ چهار خودروی بمب‌گذاری شده‌ای در داهیه و هرمل منفجر شدند. در ۱۹ فوریه سال ۲۰۱۴، انفجار یک خودروی به صورت انتحاری در نزدیکی‌های مرکز فرهنگی ایرانی و یک ایست بازرسی ارتش لبنان در حومه جنوبی بیروت شش کشته و ۱۲۹ زخمی را در پی داشت. در یکی از جدی‌ترین این حملات، در سال ۲۰۱۵، ۲۷۶ نفر در ترکیه کشته و ۹۶۱ نفر نیز در عملیاتی تروریستی زخمی شدند. تحقیقات نشان می‌دهد که گروه کثیری از اعضا تُرک داعش، عملیات انتحاری و تهاجمی خود را به منظور ایجاد آشوب بین قوم تُرک و کُرد و تحریک این دودسته از شهروندان ترکیه علیه یکدیگر، در دستور کار قرار داده‌اند (Stein, 2016: 1)؛ بنابراین شماری از مهم‌ترین این تهدیدات و پیامدهای منفی منازعه سوریه را می‌توان شامل مشکل کُردی و خودمختاری کُردهای سوریه، نارضایتی داخلی در ترکیه، رشد و گسترش افراط‌گری ناامنی و تروریسم در ترکیه و محیط پیرامونی آن و گسترش اختلافات و رقابت‌های منطقه‌ای ترکیه برشمرد

(عسگرخانی و عبدالسلام، ۱۳۹۵: ۳۳). همچنین در سال ۲۰۱۶، مرکز تاریخی و توریستی استانبول، مرکز خرید خیابان استقلال استانبول، فرودگاه استانبول، مراسم عروسی در شهر غازی عینتاب، کلوب شبانه استانبول، شهر آدانا، کیلیس و... مورد حملات تروریستی داعش قرار گرفتند (European Union Terrorism Situation and Trend Report, 2017: 35). تنها در ترکیه از اکتبر سال ۲۰۱۵ تا ژانویه ۲۰۱۷، تعداد ۲۲ مورد حملات تروریستی رخ داده است که منجر به کشته و زخمی شدن صدها تن شده است. در شهر بیروت در لبنان، در نوامبر ۲۰۱۵، حمله ای انتحاری جان ۴۳ شهروند را گرفت و در دسامبر ۲۰۱۶ در حمله ای مسلحانه در شهر کاراک ۱ اردن، ۱۰ کشته بر جای گذاشت (TRT World Research Centre, 2017: 117). حملات تروریستی در کشورهای ایران، افغانستان، پاکستان، شمال و غرب آفریقا و حتی عربستان از این قاعده مستثنی نبوده است.

۶. تقویت امنیت مشترک منطقه ای

امروزه امنیت کشورها مفهومی منفرد نیست، بلکه دسته جمعی و منطقه ای است. بس دور از تخیل است که آلمان و نیوزیلند به تنهایی دچار ناامنی مزمن شوند. هم چنانکه بس شگفت آور خواهد بود که لبنان و کامرون، به تنهایی و در دریای ناامن پیرامونی، احساس امنیت پایدار داشته باشند. به عبارت بهتر امنیت ملی بسته به فضاهای منطقه است (کریمی-پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۰۵).

۷. چالش های تجزیه سوریه

تأثیرات منطقه ای منازعه سوریه نه تنها در سطح سیاسی بلکه اغلب در رابطه با عدم کنترل و نظارت بر مرزهای این کشور نیز، موضوعی مهم و قابل توجه است چراکه تداوم

چنین وضعیتی موجب شده است احزاب و کنشگران داخلی به منظور جلب حمایت دولت-های پیرامون دست به تکاپو می‌زدند و یک گستردگی مشخصی از درگیری و منازعه در سراسر مرزهای ترکیه، عراق، لبنان، اردن و حتی اسرائیل موجب شدند (ARK Group DMCC, February 2016: 15). در نتیجه در موارد متعدد، منازعه و درگیری به درون کشورهای پیرامون سرایت نمود. حال در صورتی که تجزیه در سرنوشت سیاسی کشور سوریه رقم بخورد، چالش‌های ناشی از آن دیگر در قالب سرریز شدن منازعه بروز پیدا نمی‌کند، بلکه تحرکات تجزیه‌طلبانه، تغییر اساسی نظام‌های سیاسی، بروز جنگ‌های داخلی متداوم، امکان تقابلات کلاسیک بین دولت‌های منطقه و... از بازتاب‌های ناشی از تجزیه سوریه قلمداد می‌شود. به عبارتی هر اندازه تنگناهای بین دولت و نیروهای مخالف بشار اسد تعمیق یابد تجزیه‌پذیری سوریه نیز بیشتر می‌شود و فرصت نفوذ برای گروه‌های افراطی همچون داعش و... به منظور قلمرو گسترده و کنترل سرزمینی در سوریه بیشتر مهیا می‌گردد (ARK Group DMCC, February 2016: 13)؛ و از طرفی هر اندازه سوریه به تجزیه نزدیک شود، تقابلات کشورهای منطقه نیز خصمانه و به سمت وسوی جنگ و رواج تجزیه‌طلبی پیش خواهد رفت.

۸. حاکم شدن منطق ژئواکونومیک به جای منطق ژئوپلیتیک وحشت^۱

تأمین هزینه‌های مالی و انسانی و نظامی، در سوریه بدون وجود منافع مالی و اقتصادی در بخش‌های دولت سوریه، توانایی مدیریت و کنترل وضعیت جنگ را دشوار نموده است (ARK Group DMCC, February 2016: 15). امروزه منازعه‌ی سوریه آینه‌ی تمام‌نمایی است که منطق ژئوپلیتیک وحشت را به بین‌بازیگران و کنشگران منطقه‌ای را نشان می‌دهد. تلاش کشورهای منطقه و دولتمردان به منظور جایگزینی منطق ژئوپلیتیک

وحشت با منطق ژئواکونومیک امید، منفعت مشترکی است که بازیگران باید به سمت‌وسوی تحقق آن گام بردارند و فضای امنیتی و نظامی حاکم بر منطقه را تعدیل نمایند. علاوه بر دلایل و منافع جهانی و منطقه‌ای در سطح ملی نیز پایان یافتن منازعه سوریه برای بازیگران داخلی سودآور است. دلایل و منافع مشترک در مقیاس ملی را می‌توان به‌قرار زیر دسته‌بندی نمود.

۱. ممانعت از تجزیه کشور

بسیاری حکومت بشار اسد را ترجیح می‌دهند چون در شرایط کنونی جان‌نشین مناسبی برای آن نمی‌شناسند. آن‌ها معتقدند که نظام سیاسی پس از سقوط اسد فاقد ساختاری مشخص بوده و دچار چنددستگی است و این چنددستگی نمی‌تواند جنگ داخلی در سوریه را تداوم بخشد و احتمالاً به تجزیه این کشور منجر شود (قاسمی، ۱۳۹۴: ۵۳). تداوم بیشتر منازعه و جنگ داخلی سوریه، قلمروگستری‌های حکومت و شورشیان و گروه‌های تروریستی را شدت و زمینه تجزیه می‌شود.

۲. پایان دادن به منازعات طولانی و بی‌حاصل

هنگامی که طرفین درگیری که از منازعات طولانی و بی‌حاصل خسته شده‌اند و شانس برای پیروزی کامل خود نمی‌بینند، تلاش می‌کنند بر سر برخی از اصول و قواعد رقابت سیاسی با یکدیگر مذاکره و توافق کنند. مادامی که هیچ‌کدام از طرفین قادر به حذف یکدیگر یا دستیابی به تمامی اهداف خود نیستند؛ بنابراین چاره‌ای جز تحمل یکدیگر ندارند و باید بخشی از حقوق و مزایای طرف مقابل را به رسمیت بشناسند (دلاوری، ۱۳۸۷: ۴۶). موسسه و مرکز عدالت و مسئولیت سوریه در لاهه در سری تحقیقات عدالت انتقالی، از تعداد کثیری از شهروندان سوری به‌منظور انجام پژوهشی تحت عنوان «راه‌حل‌های احتمالی حل‌وفصل منازعه سوریه» دیدگاه شهروندان سوری در مورد منازعه و برنامه‌ها و ابتکارات

محلی برای صلح، عدالت و آشتی ملی؛ مصاحبه گرفته است. یکی از شهروندان اظهار می‌کند: شرایط در سوریه به شدت نامساعد و ناگوار است. شرایط به گونه‌ای است که بدتر از این نمی‌تواند باشد. در سوریه خانواده‌ای را نمی‌توان یافت که دست کم یک نفر از اعضای آن کشته نشده باشد (Charney, 2015: 16)؛ بنابراین منازعه‌ی طولانی سوریه دستاوردی به‌غیراز کشتار و آوارگی و هراس و تخریب زیرساخت‌های سوریه نداشته و ادامه‌ی آن به صلاح هیچ طیفی نخواهد بود.

لیبرال‌ها معتقدند به دلیل وجود سلاح‌های هسته‌ای و امکان بسیج مردمی و پرهزینه شدن جنگ، دولت‌ها کمتر به قدرت و امنیت توجه می‌کنند و به دلیل تلاش دولت‌ها برای رشد اقتصادی، آن‌ها بیشتر به هم وابسته شده‌اند (نوریان، ۱۳۸۸: ۲۵۰). شش سال است که تداوم منازعه و جنگ تأثیرات بزرگی را بر زندگی مردمان سوریه گذاشته است. در بسیاری از مناطق سوریه، محرومیت کامل از خدمات دولت وجود دارد، بسیاری از کودکان چندین سال است که از مدرسه و تحصیل به دورمانده و محروم‌اند. بیماری‌های واگیر بخصوص در میان جمعیت‌های آسیب‌پذیر غیرمعمول نیست. در موارد مختلف تحمل گرسنگی و فقر فزاینده و تجاوز جنسی به‌عنوان ابزاری جنگی مورداستفاده و بهره‌برداری طرفین پرشمار منازعه و جنگ داخلی سوریه، قرارگرفته است. به عبارتی امنیت و معیشت و زندگی روزمره‌ی اجتماعات انسانی در کشور سوریه تحت سلطه و تأثیر شبکه‌ی پیچیده‌ای از جنگجویان منطقه‌ای، گروه‌های افراطی، نیروهای حکومتی، شبه‌نظامیان خارجی و غیرنظامیان مخالف و گروه‌های نظامی داخلی قرارگرفته است (ARK Group DMCC, February 2016: 13)؛ در گزارش نهایی یک پروژه‌ی تحقیقاتی در ارتباط با سوریه، تحت عنوان «موانع حل و فصل منازعه سوریه» که از طرف دانشگاه هاروارد انجام شد، بسیاری از رهبران مخالف حکومت بشار اسد عنوان می‌نمایند که ما چنین پیش‌بینی نکرده بودیم که حکومت تا این اندازه از خود به‌منظور سرکوب شورش و انقلاب بهره بگیرد، اگر برای ما روشن می‌شد که سوریه تا این حد ویران خواهد شد، ما به چنین

شورش و انقلابی نمی‌پیوستیم. یا اینکه مصاحبه‌شوندگان مخالف و موافق فشار اسد در جواب این سؤال که «به نظر شما سه دلیل اصلی بروز منازعه‌ی سوریه کدام است؟» متفق- القول، دخالت‌های خارجی، ناکارآمدی‌های اقتصادی و اجتماعی و شدت سرکوب شورش در اوایل شکل‌گیری را دلایل اصلی بروز منازعه‌ی شدید و پیچیده‌ی سوریه، می‌دانستند (Lesch, 2013: 8). اگر شهروندان سوری بخواهند به مقابله‌ی منطقی با این سه علل بروز منازعه بپردازند، طبعاً اولین اقدام، تلاش برای حل و فصل منازعه و جنگ داخلی است.

یافته‌های میدانی

در این قسمت ابتدا جداول فراوانی و میانگین گویه‌های پرسشنامه در ۴ رویکرد صلح جغرافیایی و در سه سطح فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و ملی در چهار جدول تنظیم شده که در پیوست مقاله آمده است و همچنین در جدول، رتبه‌بندی ۴ رویکرد صلح جغرافیایی و مقیاس سه‌گانه آن‌ها آورده شده است. رویکرد صلح جغرافیایی رتبه اول، رویکرد انتقادی رتبه دوم، رویکرد مقاومتی در رتبه سوم و اکولوژی سیاسی در رتبه چهارم قرار گرفته است.

جدول شماره، رتبه‌بندی رویکردهای صلح جغرافیایی

رتبه	میانگین	رتبه	اولویت‌بندی رویکردها در مقیاس‌های سه تانه	
			میانگین	رتبه
صلح جغرافیایی	۶۱/۱۴	۱	منطقه‌ای	۲۲/۴۴
		۲	ملی	۱۹/۳۷
		۳	فرا منطقه	۹/۱۲
انتقادی	۵۵/۰۵	۲	رویکرد انتقادی	۱۸/۵۶
		۱	ملی	۱۸/۳۷
		۳	منطقه‌ای	۱۸/۱۲
مقاومتی	۵۳/۲۲	۳	رویکرد مقاومت	۱۸/۹۲
		۱	ملی	۱۷/۴۸
		۲	فرا منطقه	۱۶/۸۲
اکولوژی سیاسی	۳۲/۶۶	۴	رویکرد اکولوژی	۱۴/۹۷
		۱	منطقه‌ای	۹/۱۱
		۲	ملی	۸/۵۷
رتبه‌های رنگها	رتبه ۱	رتبه ۲	رتبه ۳	رتبه ۴

آزمون فرضیه پژوهش

رویکردهای ژئوپلیتیک صلح آفرین دارای ۴ زیرمجموعه (رویکرد صلح جغرافیایی، اکولوژی سیاسی، انتقادی و مقاومتی) و در جهت آزمون فرضیه‌ها رویکرد در سه سطح فرا منطقه، منطقه‌ای و ملی آزمون می‌شود.

الف - آزمون رویکرد صلح جغرافیایی

جدول، آزمون رویکرد صلح جغرافیایی با بهره‌گیری از تی تک جامعه در جهت بررسی حل و فصل منازعه سوریه

رویکرد صلح جغرافیایی	میانگین معیار	نمره	اختلاف میانگین	سطح معناداری	آماره	درجه آزادی	کران پایین	کران بالا
رویکرد صلح جغرافیایی	۶۱/۱۴	۴۸	۱۳/۱۴	۰۰۰	۱۶/۱۴	۷۲	۱۱/۵۱	۱۴/۷۶
در سطح فرا منطقه‌ای	۱۹/۱۲	۱۵	۴/۱۲	۰۰۰	۱۲/۴۸	۷۲	۳/۴۶	۴/۷۸
در سطح منطقه‌ای	۲۲/۶۴	۱۸	۴/۶۴	۰۰۰	۱۰/۳۳	۷۲	۳/۷۵	۵/۵۴
در سطح ملی	۱۹/۳۷	۱۵	۴/۳۷	۰۰۰	۱۳/۷۷	۷۲	۳/۷۴	۵

با توجه به جدول آزمون T تک جامعه‌ای جهت بررسی حل و فصل منازعه سوریه با کاربرد رویکرد ژئوپلیتیک صلح آفرین و همچنین به صورت جداگانه در سه سطح (فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و ملی) اجرا گردید.

رویکرد ژئوپلیتیک صلح جغرافیایی با میانگین ۶۱/۱۴ از نمره معیار ۴۸ بالاتر بوده و کران بالا و پایین مثبت و همچنین سطح معناداری (۰۰۰) کوچک‌تر از ۰/۰۱ و در نتیجه به لحاظ آماری در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ یعنی رویکرد ژئوپلیتیک صلح جغرافیایی از نظر متخصصین و افراد حاضر در عرصه میدانی سوریه می‌تواند سبب حل و فصل منازعه سوریه شود. داده‌های جدول فوق نشانگر رویکرد صلح ژئوپلیتیک غیر سنتی در سه سطح به ترتیب با میانگین‌های ۱۹/۱۲، ۲۲/۶۴ و ۱۹/۳۷ از نمره معیار ۱۸ منطقه‌ای، ۱۵ فرا منطقه‌ای و ملی بالاتر بوده، کران بالا و پایین (برای سه سطح) مثبت، همچنین سطح معناداری در هر سه سطح (۰۰۰) کوچک‌تر از ۰/۰۱ و در نتیجه به لحاظ آماری در سطح ۹۹ درصد

معنی دار است؛ یعنی رویکرد صلح ژئوپلیتیک غیر سنتی از نظر متخصصین و افراد حاضر در عرصه میدانی سوریه در سه سطح فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و ملی می‌تواند سبب حل و فصل منازعه سوریه شود.

ب- آزمون رویکرد اکولوژی سیاسی

جدول، آزمون رویکرد اکولوژی سیاسی با بهره‌گیری از تی تک جامعه در جهت بررسی

حل و فصل منازعه سوریه

رویکرد اکولوژی سیاسی	میانگین	نمره معیار	اختلاف میانگین	سطح معناداری	آماره	درجه آزادی	کران پایین	کران بالا
اکولوژی سیاسی	۳۲/۶۶	۳۳	-۰/۳۴۳	۰/۷۴۸	-۰/۳۲۲	۷۲	-۲/۴۶	۱/۷۵
در سطح فرا منطقه ای	۸/۵۸	۹	-۰/۴۳	۰/۲۰۸	-۱/۲۷	۷۲	-۱/۰۹	۰/۲۴
در سطح منطقه ایی	۱۴/۹۷	۱۵	-۰/۰۳	۰/۹۶۳	-۰/۰۴۷	۷۲	-۱/۱۹	۱/۱۴
در سطح ملی	۹/۱۱	۹	۰/۱۱	۰/۷۲۲	۰/۳۴۴	۷۲	-۰/۵۲۵	۰/۷۵

با توجه به جدول آزمون T تک جامعه‌ای جهت بررسی حل و فصل منازعه سوریه با کاربرد رویکرد ژئوپلیتیک اکولوژی سیاسی و همچنین در سه سطح (فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و ملی) اجرا گردید.

داده‌های جدول فوق نشانگر آن است که رویکرد ژئوپلیتیک اکولوژی سیاسی با میانگین ۳۲/۶۶ از نمره معیار ۳۳ کمتر بوده و کران پایین منفی است و همچنین سطح معناداری (۰/۷۴۸) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، در نتیجه به لحاظ آماری در سطح ۹۵ درصد معنی دار نیست؛ یعنی رویکرد ژئوپلیتیک اکولوژی سیاسی از نظر متخصصین و افراد حاضر در عرصه میدانی سوریه نمی‌تواند سبب حل و فصل منازعه سوریه شود. داده‌های جدول فوق نشانگر آن است که رویکرد ژئوپلیتیک اکولوژی سیاسی در سه سطح به ترتیب با میانگین‌های ۸/۵۸، ۱۴/۹۷ و ۹/۱۱ از نمره معیار ۱۵ منطقه‌ای و ۹ فرا منطقه‌ای و ملی کمتر بوده و کران بالا و پایین (برای سه سطح) مثبت و منفی هستند و همچنین سطح معناداری در هر سه سطح بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، در نتیجه به لحاظ آماری در سطح ۹۵ درصد معنی دار نمی‌باشند؛ یعنی رویکرد ژئوپلیتیک اکولوژی سیاسی از نظر متخصصین و افراد حاضر در

عرصه میدانی سوریه در سه سطح فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و ملی نمی‌تواند سبب حل و فصل منازعه سوریه شود.

ج- آزمون رویکرد انتقادی

جدول، آزمون رویکرد انتقادی با بهره‌گیری از تی تک جامعه در جهت بررسی حل و فصل

منازعه سوریه

رویکرد انتقادی	میانگین نمره معیار	اختلاف میانگین	سطح معناداری	آماره	درجه آزادی	کران بالا	کران پایین
رویکرد انتقادی	۵۵۰۵	۴۵	۱۰۰۵	۰۰۰	۱۲۶۴	۷۲	۸۴۷
در سطح فرا منطقه ایی	۱۸۳۷	۱۵	۳۳۷	۰۰۰	۹۰۰۷	۷۲	۲۷۰
در سطح منطقه ایی	۱۸۱۲	۱۵	۲۱۲	۰۰۰	۲۸۸	۷۲	۲۳۳
در سطح ملی	۱۸۵۶	۱۵	۳۵۶	۰۰۰	۱۱۵۲	۷۲	۲۹۵

با توجه به جدول، آزمون T تک جامعه‌ای جهت بررسی حل و فصل منازعه سوریه با کاربرد رویکرد ژئوپلیتیک انتقادی و همچنین در سه سطح (فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و ملی) اجرا گردید. طبق داده‌ها رویکرد انتقادی ژئوپلیتیک انتقادی با میانگین ۵۵/۰۵ از نمره معیار ۴۵ بالاتر بوده و کران بالا و پایین مثبت و همچنین سطح معناداری (۰۰۰) کوچک‌تر از ۰/۰۱ و در نتیجه به لحاظ آماری در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ یعنی رویکرد انتقادی ژئوپلیتیک غیر سنتی از نظر متخصصین و افراد حاضر در عرصه میدانی سوریه می‌تواند سبب حل و فصل منازعه سوریه شود. طبق داده‌های جدول فوق رویکرد انتقادی ژئوپلیتیک غیر سنتی در سه سطح به ترتیب با میانگین‌های ۱۸/۳۷، ۱۸/۱۲ و ۱۸/۵۶ از نمره معیار ۱۵ فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و ملی بالاتر بوده و کران بالا و پایین (برای سه سطح) مثبت، سطح معناداری در هر سه سطح (۰۰۰) کوچک‌تر از ۰/۰۱ و در نتیجه به لحاظ آماری در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ یعنی رویکرد انتقادی ژئوپلیتیک غیر سنتی از نظر متخصصین و افراد حاضر در عرصه میدانی سوریه در سه سطح فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و ملی باعث حل و فصل منازعه سوریه شود.

د- آزمون رویکرد مقاومتی

جدول، آزمون رویکرد مقاومتی با بهره‌گیری از تی تک جامعه در جهت بررسی

حل و فصل منازعه سوریه

رویکرد مقاومتی	میانگین	نمره معیار	اختلاف میانگین	سطح معناداری	آماره	درجه آزادی	کران پایین	کران بالا
رویکرد مقاومتی	۵۳/۲۲	۴۵	۸/۲۲	۰۰۰	۸/۱۷	۷۲	۶/۲۱	۱۰/۲۲
در سطح فرا منطقه ایی	۱۷/۴۸	۱۵	۲/۴۸	۰۰۰	۶/۹۶	۷۲	۱/۷۷	۳/۱۹
در سطح منطقه ایی	۱۶/۸۲	۱۵	۱/۸۲	۰۰۰	۳/۸۰	۷۲	۰/۸۷	۲/۷۸
در سطح ملی	۱۸/۵۶	۱۵	۳/۵۶	۰۰۰	۱۱/۵۳	۷۲	۲/۹۵	۴/۲

با توجه به جدول آزمون T تک جامعه‌ای جهت بررسی حل و فصل منازعه سوریه با کاربرد رویکرد ژئوپلیتیک مقاومتی و همچنین در سه سطح (فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و ملی) اجرا گردید. داده‌های جدول فوق نشانگر آن است که رویکرد ژئوپلیتیک مقاومتی با میانگین ۵۳/۲۲ از نمره معیار ۴۵ بالاتر بوده و کران بالا و پایین مثبت است و همچنین سطح معناداری (۰۰۰) کوچک‌تر از ۰/۰۱ است، در نتیجه به لحاظ آماری در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ یعنی رویکرد ژئوپلیتیک مقاومتی از نظر متخصصین و افراد حاضر در عرصه میدانی سوریه می‌تواند سبب حل و فصل منازعه سوریه شود. داده‌های جدول فوق نشانگر آن است که رویکرد ژئوپلیتیک مقاومتی در سه سطح به ترتیب با میانگین‌های ۱۷/۴۸، ۱۶/۸۲ و ۱۸/۵۶ از نمره معیار ۱۵ فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و ملی بالاتر بوده و کران بالا و پایین (برای سه سطح) مثبت است و همچنین سطح معناداری در هر سه سطح (۰۰۰) کوچک‌تر از ۰/۰۱ است، در نتیجه به لحاظ آماری در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است؛ یعنی رویکرد ژئوپلیتیک مقاومتی از نظر متخصصین و افراد حاضر در عرصه میدانی سوریه در سه سطح فرا منطقه‌ای، منطقه‌ای و ملی می‌تواند سبب حل و فصل منازعه سوریه شود.

تحلیلی کیفی بر آزمون فرضیه

کشورها برای دستیابی به منافع و هدف‌هایشان در عرصه بین‌المللی تلاش می‌کنند اما از آنجاکه سایر کشورها نیز در تلاش برای کسب منافعشان هستند کشورها در محیط بین‌الملل باهم برخورد می‌کنند. در این بین منافع مشترک و هم‌سود زمینه‌ساز همکاری بین کشورها و منافع متضاد باعث رقابت خصمانه بر اساس رویکردهای سنتی ژئوپلیتیک بین بازیگران می‌شود. شرط لازم و نه کافی، موفقیت در هر مذاکره وجود منافع مشترک برای متخاصمین در اجتناب از خشونت یا اگر خشونت هنوز ادامه دارد، پایان دادن به آن است. بدون وجود چنین منافع مشترکی امکان هیچ نوع سازشی وجود ندارد (هالستی، ۱۳۹۰: ۳۱۴). شدت تأثیر منازعه‌ی سوریه و تداوم طولانی آن ناشی از نادیده گرفتن رویکردهای ژئوپلیتیک صلح آفرین در فرایند و مکانیسم‌های حل و فصل منازعه بوده است. تا به امروز رویکردهای نظامی‌گری (در قالب مداخله نظامی، حضور مستقیم نظامی، حمایت تسلیحاتی و لجستیکی طرفین منازعه)، رویکردهای فضایی - سرزمینی (در قالب قلمرو گسترده و قلمروسازی)، رویکرد قوم محور (در قالب استفاده‌ی ابزاری از قومیت و هویت)، رویکرد مذهب محور (در قالب استفاده‌ی ابزاری از مذهب، سلفی‌گری و بنیادگرایی افراطی و...) و رویکرد بازدارندگی (در قالب تلاش به منظور سد نفوذ رقبا و تسهیل شرایط برای حضور و نفوذ خود) از جانب بازیگران و کنشگران مقیاس ملی تا فرا منطقه‌ای اتخاذ شده است.

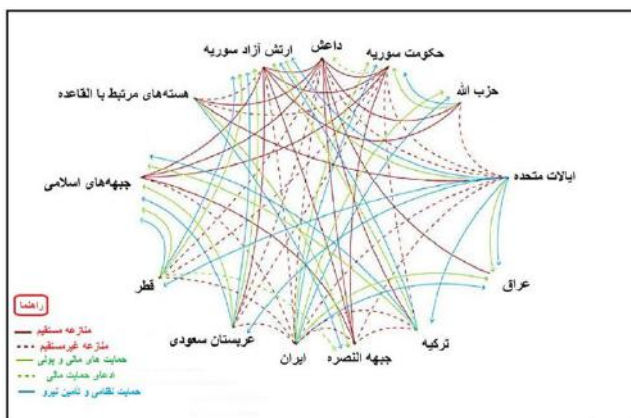
با توجه به موارد فوق و یافته‌های کتابخانه‌ای و میدانی، فرضیه‌ی پژوهش از قرار «به نظر می‌رسد یافتن منافع مشترک میان بازیگران و کنشگران با اتخاذ رویکردهای ژئوپلیتیک صلح آفرین و غیر سنتی در مقیاس‌های (ملی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای) در جهت‌دهی به عناصر و رفتارهای ژئوپلیتیک بازیگران و کنشگران، می‌تواند به حل و فصل منازعه سوریه بیانجامد. در ابعاد صلح جغرافیایی، انتقادی و مقاومت مورد تأیید و در بُعد اکولوژی سیاسی رد می‌شود. از علل رد بُعد اکولوژی سیاسی، می‌توان گفت که مناسبات قدرت و رفتارهای ژئوپلیتیک در منطقه‌ی خاورمیانه تاکنون به آن حد از پختگی و مسأله‌محوری نرسیده است

که بتوانند بر اموراتی همچون چالش‌های برآمده از کمی منابع آب، معضلات زیست-محیطی و تهدیدات مشترک طبیعی بپردازند بلکه اذهان تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران صرفاً متمرکز بر اختلافات ارضی و مرزی، توسعه‌ی نفوذ ژئوپلیتیک، رقابت‌های ایدئولوژیک، رقابت‌های تسلیحاتی و... است.

نتیجه‌گیری

منازعه‌ی سوریه دارای یک هسته‌ی مرکزی است که همان مقیاس ملی و مشتمل بر کنشگران مخالف حکومت در دسته‌های سکولار، جهادی سوری، جهادی خارجی، قومی (قوم‌گُرد) و... (بیش از ۱۰۰۰ گروه مسلح) و موافقان حکومت در دسته‌های سکولار و بعثی، مذهبی سوری، مذهبی خارجی و... است. تقابل و تعارض بین این کنشگران، بسترهای مداخلات بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را فراهم نمود و حلقه‌های دوم و سوم به دور هسته‌ی مرکزی منازعه شکل گرفت و منازعه به‌غایت پیچیده و بغرنج شد. ائتلاف‌هایی با گستره‌ی جهانی (محور غربی، عربی، تُرکی) و (محور روسی، ایرانی، سوری) شکل گرفت.

تقابلات در قالب حمایت مالی، حمایت نظامی، حضور مستقیم و مستشاری در عرصه‌ی میدانی، جنگ‌های نیابتی، تسلیح گروه‌ها و... نمود پیدا کرد. رواج استفاده‌ی ابزاری از هویت‌های قومی و مذهبی و تعمیق آن، بیش از هر چیز به منفعت گروه‌های افراطی بود. به صورتی که افراطی‌ترین دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌ها به جذاب‌ترین مورد برای جذب جنگجویان، تحریک احساسات عمومی و سربازگیری تبدیل شد.



مدل بالا نشان از آن دارد که با منازعه‌ای پیچیده و عمیق مواجه هستیم. به همین دلیل مکانیسم‌های حل و فصل تاکنون ناکام و ناکارآمد بوده‌اند. نگارندگان بر اساس منافع مشترک و ماهیت رویکردهای ژئوپلیتیک صلح آفرین استراتژی‌های لازم در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه کرده‌اند و بر این باورند که چنانچه رویکردهای ژئوپلیتیک صلح آفرین در دستور کار قرار از استراتژی‌های استقرار امنیت ژئوپلیتیک در مناطق آشوبناک، بهبود نهادینه‌شده و گام‌به‌گام مناسبات کشورهای منطقه و زدودن چشم‌انداز نبرد و جنگ، آماده‌سازی دستگاه دیپلماتیک کشورها برای ورود به حل و فصل منازعات کهنه در فضاهای پیرامونی و ایجاد بسترهای مناسب برای تشکیل سازه‌های دفاعی فراگیر منطقه‌ای است.

به منظور حل و فصل منازعه‌ی سوریه، علاوه بر شناخت همه‌جانبه کنشگران و بازیگران در مقیاس‌های سه‌گانه، شناخت و شناسایی منافع مشترک در این مقیاس‌ها نیز الزامی است. این منافع مشترک (همراه با تهدیدات و نیازهای مشترک) در مقیاس فرا منطقه‌ای عبارت‌اند از: جلوگیری از گسترش بی‌ثباتی در مناطق جغرافیایی، چاره‌اندیشی بحران پناهندگان در مقیاس فرا منطقه‌ای، چاره‌اندیشی و مهار گسترش فزاینده‌ی تروریسم در مقیاس جهانی، چاره‌اندیشی بازگشت مبارزان تروریستی و افراطی خارجی به کشورهای مبدأ و... در مقیاس منطقه‌ای نیز منافع مشترک عبارت‌اند از: جلوگیری از شکل‌گیری هلال خشونت از

خلیج‌فارس تا مدیترانه، جلوگیری از سرریز منازعه به جغرافیای سیاسی سایر بازیگران منطقه‌ای، چاره‌جویی در ارتباط با گسترش فزاینده‌ی تروریسم و افراط‌گرایی در مقیاس منطقه‌ای، تقویت امنیت مشترک منطقه‌ای، پوشش منافع مشترک طبیعی در مقیاس منطقه‌ای، بسترسازی انتقال و صدور گاز و نفت کشورهای منطقه از فضای جغرافیایی همدیگر، چاره‌جویی پناهندگان و آوارگان فرامرزی سوریه در مقیاس منطقه‌ای، جلوگیری از تجزیه سوریه و بروز تبعات و بازتاب‌های مخرب و منفی آن در منطقه، حاکم نمودن منطق ژئواکونومیک به جای منطق ژئوپلیتیک وحشت و... همچنین کشگران مقیاس ملی در منازعه سوریه دارای منافع و تهدیدات و نیازهای مشترکی هستند چون ممانعت از تجزیه و فروپاشی کشور سوریه، پایان دادن به منازعه طولانی و بی‌حاصل، توقف جنگ پرهزینه و ویرانگر داخلی، پایان دادن به فرایند رادیکالیزه شدن بیشتر گروه‌ها، بسترسازی شرایط آشتی ملی، بسترسازی شرایط گذار سیاسی و استقرار نظام سیاسی مناسب و منطبق بر واقعیت‌های جغرافیایی و انسانی سوریه، پایان دادن به مداخلات خارجی و حضور نیروهای شبه‌نظامی خارجی در کشور، ممانعت از نقض تمامیت ارضی کشور به صورت مکرر، پاک‌سازی کشور از وجود نیروهای مبارز تروریست خارجی و... هستند. بنابراین، منافع مشترک مقیاس فرا منطقه‌ای با منافع مشترک مقیاس‌های منطقه‌ای و ملی منطبق است.

منابع

- پیشگاهی فرد، زهرا؛ امیر قدسی (۱۳۸۸)؛ نقش آفرینی ضد ژئوپلیتیک در اندیشه‌های ژئوپلیتیکی، فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره ۶
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)؛ اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، نشر پاپلی، چاپ اول
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ مراد کاویانی راد (۱۳۹۳)؛ فلسفه جغرافیای سیاسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول
- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۷۸)؛ بررسی ریشه‌های خشونت و بی‌ثباتی سیاسی در ایران، رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- غنی، اشرف؛ کلر لاکهارت (۲۰۱۵)؛ سوریه و دوران گذار درس‌هایی از گذشته(اندیشه‌هایی برای آینده)، نشر کابل ترانزیشن
- قاسمی‌ورجانی، مهدی (۱۳۹۴)؛ گفتمان داعش تبیین ذهنیت سیاسی سلفیت تکفیری، تهران، نشر ستوس، چاپ اول ۱۳۹۴
- قربانی‌نژاد، ربیاز (۱۳۹۲)؛ الگویابی سرچشمه‌های ژئوپلیتیکی تنش در روابط کشورها (مطالعه موردی: آسیای جنوب غربی)، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، مهر ۱۳۹۲
- کریمی‌پور، یدالله و همکاران (۱۳۹۴)؛ جغرافیا؛ نخست در خدمت صلح (نگرشی بر مناسبات ایران و همسایگان)، تهران، نشر انتخاب، چاپ اول
- لطفی سیداحمد و زهرا سادات شارق (۱۳۹۵)؛ بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، صص: ۲۰۱-۱۷۹
- نیاکویی، سید امیر؛ علی اصغر ستوده (۱۳۹۴)؛ تأثیر منازعات داخلی سوریه و عراق بر مجموعه امنیتی خاورمیانه (۲۰۱۱-۲۰۱۵)، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۴، (شماره پیاپی ۴۵)، صص ۱۷۷-۱۵۳

- هالستی، کی. جی (۱۳۹۰)؛ مبانی تحلیل سیاست بین الملل، ترجمه: بهرام مستقیمی و مسعود طارم، تهران: نشر وزارت امور خارجه، چاپ هفتم.

- Trt world research centre (2017); six years of war in Syria, political and humanitarian aspect, NR: 005, May 2017
- Dougherty, James E. and Robert L. Pfaltzgraff (1981). Contending Theories of International Relations. publisher: Longman Higher Education. 608 pages
- Coser, Lewis (1956), The Functions of Social Conflict. New York: The Free Press
- Eran, O (2012); The United State in the Middle east: The Year in Review, in Strategic Survey for Israel: 2013-2012, Anat Kurz and Shlomo Brom, INSS
- The soufan group (december 2015); foreign fighters, an Updated Assessment of the Flow of Foreign Fighters into Syria and Iraq, New York, New York 10019, www.soufangroup.com
- Amir Weiner (1996); Making Sense of War, is published by Princeton University Press and copyrighted, © 2001, by Princeton, University Press
- Terriff, Terry (and others) (1999). Non-traditional security threats: The environment as a security Issue. In security Studies Today, Polity Press. Pp: 115-134
- ESI. European Stability Initiative (2017); THE REFUGEE CRISIS THROUGH STATISTICS, A compilation for politicians, journalists and other concerned citizens, 30 January 2017
- Dostal, Jörg Michael (2016); Transnational war in Syria: the Eisenhower doctrine in the 21st century? Romanian Political Science Review, vol. XVI, no. 2, 2016
- Grzyb Tomasz (2016); Daesh information campaign and its influence, results of the study, ISBN 978-9934-8582-1-5, PREPARED BY THE NATO STRATEGIC COMMUNICATIONS CENTRE OF EXCELLENCE January 2016.
- Linus Gustafsson & Magnus Ranstorp (2017); Swedish Foreign Fighters in Syria and Iraq, An analysis of open-source intelligence and statistical data, Swedish Defence University 2017, ISBN 978-91-86137-64-9
- European Union Terrorism Situation and Trend Report, (2017); www.europol.europa.eu
- Stein, Aaron (2016); Islamic State Networks in Turkey, Recruitment for the Caliphate, Atlantic Council, RAFIK HARIRI CENTER FOR THE MIDDLE EAST, OCTOBER 2016

- Anthony H. Cordesman with the Assistance of Max Markusen (2016); The Uncertain Metrics of the “War” Against ISIS in Iraq and Syria, Center for strategic and international studies, November 21, 2016
- <https://www.ipcc.ch/report/ar4-pp890-897>
- MAX FISHER (SEPT. 18, 2016); Straightforward Answers to Basic Questions About Syria’s War, <https://www.nytimes.com/2016/09/19/world/middleeast/syria-civil-war-bashar-al-assad-refugees-islamic-state.html>
- Charney, Craig (2015); “Maybe We Can Reach a Solution Syrian Perspectives on the Conflict and Local Initiatives for Peace, Justice, and Reconciliation, syria justice and accountability centre the hague, 2015
- ARK Group DMCC (2016); The Syrian conflict: A systems conflict analysis, February 2016
- ESI. European Stability Initiative (2017); THE REFUGEE CRISIS THROUGH STATISTICS, A compilation for politicians, journalists and other concerned citizens, 30 January 2017
- Mercy Corps Europe (2016); annual report and accounts for the year ended 30 June 2016,
- NRC’s humanitarian response, (JUNE 2016); Syria and Iraq crisis, Norwegian Refugee Council, June 2016
- Security Assessment in North Africa, (January 2016); Syria's Armed Opposition, A Spotlight on the 'Moderates', Dispatch No. 5, January 2016
- Lesch, David W. (2013); Obstacles to a Resolution of the Syrian Conflict, Harvard-NUPI-Trinity Syria Research Project, Publisher: Norwegian Institute of International Affairs, ISBN: 978-82-7002-338-7
- Amnesty international, Human Rights Watch, Syrian Network for Human Right, Syrian Observatory for Human Rights, Syrian Center for Policy Research, UNICEF (June 2016); Syria Crisis, humanitarian Results.